آرمان ملی
armanmeli.ir
سال چهارم
شماره ۹۸۸
شنبه
۲۸ • ۰۱ • ۱۴۰۰
۴ رمضان ۱۴۴۲/ ۱۷ آوریل ۲۰۲۱

جستار

انتخابات ۱۴۰۰ مهمترین رویداد پایان قرن

ادامه از صفحه اول

برای ثبت در تاریخ باید عبارات و سخنان جناح مقابل اصلاحات را بعداز ۲۴ سال به آنان یادآوری کرد که حتی برای نشاندن نامزد مورد نظر خود بر کرسی ریاست‌جمهوری از خداوند نیز استفاده کردند و در سخنان تبلیغاتی خود برای جلب آرای مردم از نظر خداوند به نامزد مورد نظر خود سخن گفتند: آیتا... خزعلی بسیار پرحرارت سخن می‌گفت؛ «به‌حق سادات و اجدادشان قسم» ناطق نوری بهتر است. چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت، دو روز مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری دوم خرداد ۷۶ برای بسیاری مسجل شده بود که آرای سیدمحمد خاتمی با شتاب از آرای ناطق نوری پیشی گرفته است، اما آیتا... خزعلی به یزد، زادگاه خاتمی، رفته بود و در سخنرانی‌اش از احتمال پیروزی قطعی ناطق‌نوری با اختلاف رای بالا سخن گفت. خزعلی به مردم یزد گفت، شنیده است که یزد در دفاع از حق خاموش است؛ «من زنده باشم و یزد خاموش؟». او از رای جامعه مدرسین به ناطق گفت و اینکه از چهار مسیر، از اطرافیان رهبری بررسی کرده است و دریافته که تمایل رهبری به ناطق نوری است. از خاتمی انتقاد می‌کرد و می‌گفت «اما آقای ناطق‌نوری صددرصد دستش توی دست ولایت فقیه است.» خزعلی به مردم گفت: «ببینید چه کسانی دارند کار می‌کنند و پشت سرند؟ روزنامه اسرائیل را ببینید. روزنامه بی‌بی‌سی را ببینید. آقایان، برادران، خواهران، بیدار باشید.» به فیلمی اشاره کرد که در تهران از خانمی که؛ «زلفش را هم بیرون گذاشته» می‌پرسند به چه کسی رای می‌دهد و او می‌گوید خاتمی؛ چون آزادی می‌دهد» انتقاد از خاتمی را ادامه داد، دقایقی جلسه به هم ریخت و شعارها سخنرانی را قطع کرد؛ «حسین حسین شعار ماست، خاتمی افتخار ماست» شعارها که تمام شد، خزعلی گفت که در پایان سخنانش حقیقتی را آشکار خواهد کرد که شعاردهندگان؛ «از اینکه از روی نادانی شعار داده‌اند شرمنده خواهند شد.» آن روزها سیدمحمدحسین طباطبایی، کودک حافظ قرآن، در کانون توجه افراد مذهبی بود و تسلطش بر قرآن در سن پنج، شش سالگی بسیاری را شگفت‌زده کرده بود. او می‌توانست به سوالات افراد با بخشی از آیات قرآن جواب بدهد. خزعلی گفت پیش از سخنرانی به محمدحسین طباطبایی زنگ زده است و درباره انتخابات پرسیده است و طباطبایی جواب داده؛ «فَبِهُدَاهُمُ اقْتَدِهْ» خزعلی گفت یعنی به هدایت روحانیون اقتدا کن. «گفتم به تیپ آقای خاتمی چه می‌گویی؟» پاسخ داد؛ «إِنَّکَ لَا تَهْدِی مَنْ أَحْبَبْتَ» خزعلی معنی این جواب را این‌گونه توضیح داد؛ «این‌ها گمراه شده‌اند و تو نمی‌توانی هدایت‌شان کنی.» و گفت این همان حرفی است که شعاردهندگان را شرمنده می‌کند؛ «حالا تا صبح به خودت بپیچ. این حرف دیگر مال من نیست، مال روحانیت نیست، مال خداست که دارد به قلب این بچه القا می‌کند. حالا فردا برو پای صندوق هر چی خواستی و به هر کی خواستی رأی بده... اگر سر جنگ با خدا داری....» نتیجه انتخابات را نیز چنین پیش‌بینی کرد؛ «برای هر چهار نفر کاندیدا دعا کنید، برادران مسلمان ما هستند. یکی‌شان یک و نیم درصد رأی می‌آورد. یکی‌شان شاید پنج، شش درصد و آقای ناطق‌نوری حدس می‌زنم بین پنجاه و شش تا شصت درصد و مابقی پایین‌تر.» (جمهوریت؛ افسون‌زدایی از قدرت ص ۴۲۱-۴۲۷) توان زیادی از حوزه و روحانیت در این انتخابات خرج شد تا ناطق‌نوری رای بیاورد. سیدمهدی طباطبایی در خاطراتش روایت کرده است: «به نقاط مختلف کشور سفر کردیم و علما را دعوت می‌کردیم که از آقای ناطق حمایت کنند... حتی حوزه علمیه هم وارد شد. آقای قرائتی در برنامه‌های تلویزیونی خودش اشاره‌هایی داشت، آقای جوادی‌آملی هم در تیزر تلویزیونی به همراه چند تن دیگر از بزرگان برای تایید شخصیت آقای ناطق صحبت کرد اما این یک کشتی بود که هرچه بیشتر به آن آویزان می‌شدیم، بیشتر غرق می‌شد. یعنی هر چقدر به این کشتی وزنه آویزان می‌کردیم، سنگین‌تر می‌شد. من چند روز مانده بود به انتخابات متوجه این نکته شدم.» او توضیح داده است که چگونه این پشتیبانی زیاد بخشی از روحانیت را هم رویگردان کرد. (اخلاق و مبارزه ص ۲۰۳ و ۲۰۴) در نهایت خاتمی با اختلاف چند برابری پیروز انتخابات شد. چند روز پس از انتخابات آیتا... امینی در دیدار با هاشمی‌رفسنجانی از «سوءمدیریتی که باعث شکست اعتبار روحانیت در انتخابات شد» گله کرد و نیز «از کارشکنی‌های احتمالی که به زودی علیه آقای خاتمی بروز خواهد کرد» گفت. چند روز بعد آیتا... امامی کاشانی از هاشمی «برای قرض‌هایی که در تبلیغات ریاست‌جمهوری بارآورده استمداد کرد.» و ۲۸ خرداد ری‌شهری به هاشمی خبر داد؛ روحیه افرادی مانند آیتا... جوادی آملی و حجت‌الاسلام قرائتی که وادار به موضع‌گیری در انتخابات شده‌اند، بد است. (انتقال قدرت، ص ۱۷۲،۱۸۳ و ۲۲) این روزها ۲۴ سال از آن ایام می‌گذرد. در روزهای گذشته یکی از سخنرانان مذهبی کشور پیوندهایی زده است، میان انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ و مسئله‌ی ظهور امام زمان(عج). انتخابات ۱۴۰۰ مهمترین رویدادی است که در طلیعه قرن جدید رخ می‌دهد و امید که تا آن زمان روزنه‌های بیشتری برای امیدواری مردم نسبت به آینده گشوده شود. این واقعیت غیرقابل‌انکاری است که در چندسال گذشته و درمصاف با عامل بیرونی تحریم و همچنین در یک سال کرونایی، بار اصلی فشار روی توده‌های مردم بوده است. مردمی که درهمه سختی‌ها همراه و کمک‌رسان به مجموعه نظام بوده‌اند. حال این انتظاری زیادی از سوی آنها نیست که پس از تحمل دوره سختی‌ها، شاهد دوره گشایش باشند. همان‌گونه که بارها از سوی مقام معظم رهبری نقل قول شده است، انتخابات پرشور و انتخاب اصلح می‌تواند درمان دردهای مزمن کشور و مردم باشد؛ انتخاباتی که در آن همه سلایق سیاسی حضور داشته و مردم حق انتخاب آگاهانه داشته باشند. این مهم باید در عمل و از سوی همه دست‌اندرکاران انتخابات دیده شود تا از مسیر انتخاباتی با مشارکت حداکثری و انتخاب اصلح مردم، دولتی کارآمد و مقتدر با پشتوانه و سرمایه اجتماعی روی کار آید و آستین همت بالا رود برای کار و جبران عقب‌ماندگی‌ها.

محمد توسلی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

از نقد اصلاح طلبان دهه ۶۰ تا فوریت اصلاحات ساختاری

عکس: آرمان‌ملی/ فاطمه فتاحی

باید از اصلاح‌طلبی قدرت‌محور به سمت جامعه‌محور حرکت کنیم

باید از فرصت انتخابات برای آگاهی‌بخشی مردم استفاده کرد

رئیس‌جمهور شدن یک نظامی مشکلات را افزایش می‌دهد

سیاست خارجی چهار دهه چالش برانگیز بوده است

طیف سنتی اصلاحات عملکرد دهه ۶۰ خود را نقد نکرده است

آرمان ملی- احسان انصاری: محمد توسلی، سومین دبیر کل نهضت آزادی ایران و اولین شهردار تهران پس از انقلاب ۱۳۵۷ است. او پیش از انتخاب به عنوان دبیر کل نهضت آزادی ایران، سال‌ها رئیس دفتر سیاسی و عضو شورای مرکزی این حزب بود. وی در سال ۱۳۳۵ وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شد و از اعضای فعال انجمن اسلامی دانشجویان بود. قبل از پیروزی انقلاب، مسئول تبلیغات ستادهای راهپیمایی و ستاد استقبال از امام بود و با روی کار آمدن دولت موقت به عنوان شهردار تهران برگزیده شد. در شرایطی که کشور در آستانه انتخابات ریاست جمهوری قرار گرفته «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی مهمترین چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی انتخابات با محمد توسلی گفت‌وگو کرده است. نخستین شهردار تهران پس از انقلاب در این زمینه معتقد است: «جمعی از اصلاح‌طلبان به‌ویژه کسانی که بانهادهای قدرت به نحوی وابستگی دارند به‌طور طبیعی هنوز تصور می‌کنند که با همان نگاه اصلاحات قدرت‌محور و پذیرش دیدگاه و نظریه اسلام فقاهتی می‌توانند در ساحت قدرت برای اصلاح وضعیت موجود و پاسخ به مطالبات مشترک مردم یعنی «آزادی و حاکمیت مردم» نقشی ایفا کنند! اما بسیاری به‌ویژه نسل جوان اصلاح‌طلبان با توجه به واقعیت‌های موجود به تدریج تمایل به نگاه اصلاحات تاریخی جامعه‌محور و تقویت نهادهای مدنی و سایر الزامات آن پیدا کرده‌اند». در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

مهمترین مولفه‌ها و چالش‌های موجود کشور در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری را در چه مواردی می‌دانید؟

مهمترین چالش‌های آشکار امروز جامعه ایران بحران اقتصادی و شکاف طبقاتی و همچنین تحریم‌های ظالمانه آمریکا و اپیدمی کووید ۱۹ است. بحران معیشتی مردم آنچنان برجسته شده که بر اساس گزارش‌های رسمی بیش از ۶۰ درصد جامعه در شرایط زیرخط فقر قرار دارند. اما جز بحران کرونا، که پدیده جهانی است، ریشه واقعی چالش‌های موجود را باید در ساختار مدیریت کشور و ناکارآمدی آن مورد بررسی قرار داد.

انتخابات ریاست‌جمهوری آینده از یک طرف به وضعیت معیشتی مردم و از سوی دیگر به معادلات بین‌المللی گره خورده است. نقش این دو مولفه را در سرنوشت نهایی انتخابات چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ریشه چالش‌های موجود از جمله بحران معیشتی و روابط بین‌الملل مشکلات ساختاری در مدیریت کشور است. به همین علت روند تحولات چهار دهه پس از انقلاب، به ویژه نحوه واکنش‌های مردم از جمله در انتخابات مختلف گذشته نشان می‌دهند به تدریج با رشد و آگاهی مردم از ریشه این مشکلات ساختاری، حضور حدود ۹۸ درصدی مردم در رفراندوم ۱۲ فروردین سال ۵۸ به تدریج و نهایتا در انتخابات مجلس یازدهم در اسفند ۹۸ به حدود ۴۰ درصد کاهش پیدا کرده و در کلانشهرها از جمله تهران فقط حدود ۱۸ درصد مردم رای داده‌اند که ۸ درصد آن باطله و اعتراضی بوده است. با توجه به چنین روندی اگر مشکل ساختاری مدیریت کشور حل نشود سرنوشت نهایی انتخابات ۱۴۰۰ نیز ادامه همین روند خواهد بود. تنها راهکار جلوگیری از تشدید این بحران‌ها، بازگشت به مردم، قبول مطالبات تاریخی و مشترک ملت یعنی تامین «آزادی و حاکمیت ملت» و برگزاری انتخابات آزاد، سالم و رقابتی است و این امر جز با «اصلاحات ساختاری» امکان‌پذیر نخواهد بود.

حضور نظامیان در قدرت و مدیریت پیچیده و پرچالش کنونی کشور نه‌تنها موجب حل مشکلات کنونی نخواهد شد، بلکه بر مشکلات آن خواهد افزود. نظامیان باید به وظایف تعریف شده قانونی خود، که حفظ امنیت کشور است، بپردازند و مدیریت کشور در یک انتخابات رقابتی با رای ملت به اشخاصی با شایستگی و توانمندی و برنامه مشخص برای این سمت واگذار شود و همواره پاسخگوی عملکرد خود باشند

جریان اصلاحات به دلیل دوری کردن از برخی آرمان‌های اصیل خود با ریزش پایگاه اجتماعی مواجه شده است. به نظر شما راه‌حل تقویت پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان در آستانه انتخابات چیست؟

ریزش پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان به ویژه پس از رویدادهای دی ۹۶ و آبان ۹۸ عمدتا به دلیل نادیده گرفتن اندیشه تاریخی اصلاح‌طلبی است. محور این اندیشه از انقلاب مشروطه، نهضت ملی ایران و انقلاب ۵۷ رفع موانع اصلی توسعه یعنی استبداد اعم از سیاسی و دینی از طریق اصلاحات فرهنگی و اجتماعی، آگاهی‌بخشی و اجرای برنامه‌های توسعه سیاسی و تامین شرایط انتخابات آزاد و حاکمیت مردم بر سرنوشت خود بوده است. این فرآیند آگاهی‌بخشی پس از انقلاب، ۵۷ که به تدریج نگاه اسلام فقاهتی بر مدیریت کشور حاکم می‌شود به‌ویژه در دهه ۶۰ تا اواسط دهه ۷۰ پیگیری می‌شود. پیامد رشد و آگاهی مردم در دوم خرداد ۷۶، بیست میلیون رای به برنامه توسعه سیاسی آقای خاتمی و «نه بزرگ» به نامزد محافظه‌کاران بود. با چالش‌های پیش‌آمده برای اصلاح‌طلبان بعد از انتخابات ۸۴ و ۸۸ و تجربیات پس از دو دوره ریاست‌جمهوری آقای روحانی و تشدید بحران‌های داخلی، به ویژه وضعیت معیشتی مردم و روابط بین‌الملل و... فضای سیاسی کشور به‌طور محسوس در سال ۹۸ متحول شد. برنامه «یک‌دست‌سازی قدرت» و ارائه چشم‌انداز «دولت انقلابی جوان» و رد گسترده نامزدهای اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس یازدهم در اسفند ۹۸ این چشم‌انداز را بیش از پیش مطرح ساخته است که نگاه اصلاحات قدرت‌محور دیگر کارآمد نیست و راهی جز بازگشت به «اصلاحات جامعه‌محور» و تمرکز بر عرصه عمومی و تقویت نهادهای مدنی و جنبش‌های اجتماعی کارساز نیست. البته در فرصت انتخابات پیش‌رو با همین دیدگاه باید از فرصت انتخابات برای آگاهی‌بخشی استفاده کرد.

یکی از چالش‌های کنونی مدیریت کشور تنظیم سیاست خارجی و روابط بین‌الملل با راهبرد موازنه منفی در راستای منافع ملی است. با درایت مسئولان و واقع‌بینی دولت، به‌رغم کارشکنی‌های اخیر مخالفان مذاکرات برجام چون دولت اسرائیل و عملیات کارشکنی انجام شده از جمله «انفجار نطنز»، این مذاکرات با امیدواری پیگیری می‌شود

حرکت از اصلاح‌طلبی قدرت‌محور به سمت جامعه‌محور دارای الزامات و ضرورت‌هایی است. آیا در شرایط کنونی این ضرورت‌ها توسط اصلاح‌طلبان درک می‌شود؟ پیامدهای این شیفت گفتمانی چه خواهد بود؟

جمعی از اصلاح‌طلبان به‌ویژه کسانی که با نهادهای قدرت به نحوی وابستگی دارند به‌طور طبیعی هنوز تصور می‌کنند که با همان نگاه اصلاحات قدرت‌محور می‌توانند در ساحت قدرت برای اصلاح وضعیت موجود و پاسخ به مطالبات مشترک مردم یعنی «آزادی و حاکمیت مردم» نقشی ایفا کنند! اما بسیاری به ویژه نسل جوان اصلاح‌طلبان با توجه به واقعیت‌های موجود به تدریج تمایل به نگاه اصلاحات تاریخی جامعه‌محور و تقویت نهادهای مدنی و سایر الزامات آن پیدا کرده‌اند. واقعیت‌های سیاسی پیش‌رو نشان می‌دهند راهکار واقع‌بینانه تمرکز بر اصلاحات جامعه‌محور و تقویت جنبش‌های اجتماعی برای اصلاح ساختار مدیریت کشور است تا با ایستادگی مطالبات قانونی و برحق مردم، مطابق اصول قانون اساسی مورد عمل قرار گیرد.

چرا بین طیف سنتی و مدرن جریان اصلاحات فاصله فکری ایجاد شده است؟ آیا جریان اصلاحات در دهه‌های اخیر از رویکرد کادرسازی غفلت کرده است؟

طیف سنتی از یک‌سو به خاطر وابستگی‌های خود نمی‌توانند خود را با مطالبات مردم و جنبش اجتماعی هماهنگ کنند و از سوی دیگر به لحاظ نظری هم هنوز عملکرد دهه ۶۰ خود را نقد نکرده‌اند. اما برخی از اطلاح‌طلبان چون آقای مصطفی تاج‌زاده صریح و شفاف عملکرد گذشته به ویژه دهه ۶۰ خود را نقد کرده و برخی نیز با تحلیل‌های روزآمد خود عملا نشان داده‌اند که امکان دستیابی به مدرنیته و توسعه کشور در حد مطلوب و مورد نظر همگان نیاز به بازنگری ندارد. طیف جوانان اصلاح‌طلب عموما با این دیدگاه هماهنگ هستند.

از نظر شما مهمترین چالش‌های گفتمان اصلاح‌طلبی در مقطع کنونی چیست؟

مهمترین چالش‌های گفتمان اصلاح‌طلبی بحران‌های پیش‌روی جامعه به ویژه بحران اقتصادی و معیشتی، عدم‌کارآمدی دیدگاه اصلاحات قدرت‌محور در شرایط کنونی و فرآیند طولانی تحقق راهبرد اصلاحات جامعه‌محور است.

بازی در ساحت گفتمانی دیگر را مانند آنچه درباره آقای روحانی اتفاق افتاده، به چه میزان برای جریان اصلاحات مفید می‌دانید؟ آیا جریان اصلاحات همچنان باید در ساحت یک گفتمان غیر اصلاح‌طلب در قدرت حضور داشته باشد یا اینکه از پتانسیل لازم برای حضور با گفتمان اصیل اصلاح‌طلبی در قدرت برخوردار است؟

شرایط و انتظارات امروز جامعه و جنبش اجتماعی ایران با شرایط برگزاری انتخابات سال‌های ۹۲ و ۹۶ و تجربیات حاصل از آن، کاملا متفاوت است. بنابراین فقط «نامزدی» با گفتمان اصیل اصلاح‌طلبی و توانمند برای اجرای برنامه‌های توسعه سیاسی و اصلاح ساختار مدیریت کشور و پاسخگو به مطالبات مردم در انتخابات ۱۴۰۰ می‌تواند مورد توجه باشد.

آیا نشانه‌هایی از روی کار آمدن یک دولت راست‌گرای رادیکال در انتخابات آینده مشاهده می‌کنید؟ چه نشانه‌هایی وجود دارد؟

بله، روند برگزاری انتخابات مجلس یازدهم و عملا یک‌دست شدن و برنامه یکدست‌سازی دولت همه نشانه‌هایی از چنین روندی است، اما آیا چنین روندی کارساز و در راستای منافع ملی است؟ تجربه تاریخی نشان می‌دهد چنین برنامه‌ای بدون مشارکت مردم هرگز نمی‌تواند پاسخگوی چالش‌های کنونی کشور باشد.

آیا این دولت راست‌گرا توسط یک نظامی مدیریت خواهد شد؟ پیامدهای شکل‌گیری چنین دولتی برای کشور چه خواهد بود؟

حضور نظامیان در قدرت و مدیریت پیچیده و پرچالش کنونی کشور نه‌تنها موجب حل مشکلات کنونی نخواهد شد، بلکه بر مشکلات آن خواهد افزود. نظامیان باید به وظایف تعریف شده قانونی خود، که حفظ امنیت کشور است، بپردازند و مدیریت کشور در یک انتخابات رقابتی با رای ملت به اشخاصی با شایستگی و توانمندی و برنامه مشخص برای این سمت واگذار شود و همواره پاسخگوی عملکرد خود باشند.

در سال‌های اخیر زندگی مردم به شکل مستقیمی به مناقشه ایران و آمریکا گره خورده و این موضوع یکی از موضوعات محوری انتخابات آینده نیز خواهد بود. تحلیل و ارزیابی شما از ریشه‌های این چالش و راهکار برون‌رفت از این بن‌بست چیست؟

یکی از چالش‌های کنونی مدیریت کشور تنظیم سیاست خارجی و روابط بین‌الملل با راهبرد موازنه منفی در راستای منافع ملی است. پیامدهای اشغال سفارت آمریکا یکی از چالش‌های سیاست خارجی در چهار دهه گذشته، از جمله خروج آمریکا از برجام و تحریم‌های ظالمانه علیه ملت ایران بوده است. با درایت مسئولان و واقع‌بینی دولت، به‌رغم کارشکنی‌های اخیر مخالفان مذاکرات برجام چون دولت اسرائیل و عملیات کارشکنی انجام شده از جمله «انفجار نطنز»، این مذاکرات با امیدواری پیگیری می‌شود. اگر انتخابات ریاست‌جمهوری رقابتی برگزار شود ظرفیت و برنامه نامزدها برای تنظیم سیاست خارجی و ادامه مذاکرات برجام و حل مشکل تحریم‌ها تاثیرگذار خواهد بود.

آذر منصوری:

دوره سردادن شعار زیبا در حمایت از زنان گذشته است

سخنگوی جبهه اصلاحات ایران گفت: هر جریان سیاسی به خصوص در انتخابات باید نشان دهد چه برنامه ای برای رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان دارد و آیا زنان را رجل سیاسی می‌داند یا نه؟ آذر منصوری در چهارمین کنگره جمعیت زنان مسلمان نواندیش با اشاره به آغاز پیک چهارم کرونا در کشور، اظهار کرد: بالطبع به میزانی که به پیشگیری ها بی توجهی بشود و روند واکسیناسیون به تاخیر بیفتد شاهد عوارض و پیامدهای بیشتر انسانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از این پاندمی خواهیم بود. از همین روی اعمال قرنطینه‌های سختگیرانه و جدی‌تر از یک سو و تسریع در واکسیناسیون تنها راه مقابله با موج سیاه چهارم کرونا در کشور است. وی با اشاره به شرایط تحریم‌ها و تاثیر آن بر مردم، افزود: بحران تحریم های ظالمانه دولت آمریکا همه ابعاد زندگی شهروندان ایران، به خصوص سفره های مردم ایران را به گروگان گرفته است. هر چند دولت ترامپ و همراهان او با اعمال این تحریم‌های ظالمانه به دنبال فروپاشی ایران بودند اما در عمل دریافتند که این مسیر، مسیر شکست خورده ای است. سخنگوی جبهه اصلاحات ایران با تاکید بر اینکه باید به انتخاب آزادانه مردم اعتماد کرد، گفت: این اعتماد یکی از ضرورت ها و الزامات جدی احیای اعتماد متقابل حاکمیت به ملت است و تجربه نشان داده که در آنجا که مشارکت ملی و حداکثری ملت در انتخابات شکل گرفته است، جامعه گامی بلند در مسیر اعتماد و امید به آینده و کاستن از تهدیدهای خارجی برداشته است. منصوری با یادآوری وجود نابرابری میان زنان و مردان در جامعه اظهار کرد: واقعیت آن است که نابرابری فرصتها هم با بحران کرونا تشدید شده است. این برخلاف آن است که زنان نشان دادند از آمادگی و توانایی بیشتری برای اداره کشورهای خود در بحران کرونا برخوردارند. وی با بیان اینکه ایران از لحاظ شاخص‌های شکاف جنسیتی از سال ۲۰۰۶ جزو ۱۰ کشور آخر بوده است، ادامه داد: رتبه ۱۵۰ ایران در بین ۱۵۶ کشور جهان برخلاف همه تلاش هایی است که معاونت امور زنان و خانواده در دولت های یازدهم و دوازدهم به انجام رسانده است. این بدان معناست که کشورهایی که در این گزارش از ما پیشی گرفته‌اند تلاش های بیشتری را در دستور کار خود قرار داده است. عمدتا این تلاش ها در راستای ایجاد فرصت های برابر برای زنان است و این کشورها دریافته‌اند که توسعه پایدار و همه جانبه بدون ایجاد فرصت های برابر برای زنان امکان پذیر نخواهد بود. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب تصریح کرد: گرچه مطالبات زنان ایران در موضوعاتی مانند پوشش، دوچرخه سواری و رفتن به استادیوم و از این دست بیشتر نمایان می‌شود، اما واقعیت آن است که دلیل تنزل مطالبات در این سطح نادیده گرفتن سطوحی از تبعیض است که باید نشانه های آن را در قدرت سیاسی جست و جو کرد. منصوری با تاکید بر اینکه احزاب سیاسی باید قبول کنند که دوره سردادن شعارهای زیبا در حمایت از زنان گذشته است، اظهار کرد: هر جریان سیاسی به خصوص در بزنگاه‌های انتخابات باید نشان دهد چه برنامه‌ای برای رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان دارد؟ آیا زنان را رجل سیاسی می‌دانند یا نه؟ آیا حاضرند توان خود را به کار گیرند تا راه زنان برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری و خبرگان رهبری باز شود؟ واقعیت آن است که جنبش زنان ایران از احزاب و دولت ها پیشی گرفته است و این دولت ها و احزاب هستند که باید تشکیلات و سیاستگذاری‌های خود را مطابق با مطالبات این جنبش روزآمد کنند.

گزارش

گاه التماس و گاه افتخار؟!

آقای نمکی! شما وزیر هستید؛ نه مرثیه‌سرا

آرمان ملی: وزیر بهداشت این روزها به جای مدیریت بحران کارش مرثیه‌سرایی شده و گاه مداحی. گاه التماس و گاه افتخار. گاه شعار از این می‌دهد که دیگران می‌خواهند مدیریت کرونا را از ما یاد بگیرند و گاه می‌گوید ما از کرونا رودست خورده‌ایم. سعیدنمکی البته اظهاراتش با رئیس‌جمهور نیز تناقض دارد، درست مثل باقی تناقضات مسئولان با هم. یکی از واکسیناسیون سراسری با واکسن ایرانی تا چند روز دیگر می‌گوید، آن یکی اظهار می‌کند که نمی‌توانیم تا تابستان منتظر واکسن ایرانی بمانیم و باید واکسن بخریم. نمکی اما البته عادت داشته به شیوه‌های مختلف بحران را به گردن دیگری هم بیندازد؛ وزیری که وقتی ورود واکسن‌های معتبر به کشور ممنوع شد، در برابر این تصمیم به جای اظهارنظرهای تخصصی یا ایستادگی یا حداقل سکوت در برابر آن، صرفا به مدح و ستایش چنین تصمیمی پرداخته و از سویی دیگر امروز کاسه چه‌کنم چه‌کنم عدم‌ورود واکسن در دست دارد. یک‌بار با اظهاراتی پوپولیستی و نخ‌نماشده می‌گوید التماس می‌کنم و به دست‌وپای مردم می‌افتم که مراعات کنند و مراقب کرونا باشند، از سویی در کنار این نمایش بی‌حاصل هیچ‌گاه موقعیت شغلی‌اش را برای مقاومت در برابر تصمیمات اشتباه بالادستی‌ها به خطر نمی‌اندازد. وقتی مانع ورود واکسن‌های معتبر می‌شوند، وقتی در برابر تعطیلی سفرها در نوروز به او نه می‌گویند، وقتی او یک چیزی می‌گوید و روسا چیز دیگر، هیچ‌گاه در برابر این اقدامات ایستادگی نکرد. شوربختانه روسا را مدح گفت و مردم فرودست را شماتت کرد که چرا مراعات نمی‌کنید و مراقب نیستید. نتیجه آن شد کسانی که در بوق و کرنا کرده بودند که تا پایان سال ۹۹ یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر را واکسینه می‌کنند امروز در واپسین روزهای فروردین ۱۴۰۰ آمارشان به ۵۰۰ هزارنفر هم نرسیده است. از سویی اندوهناک‌تر اینکه اندک واکسن‌های خریداری شده هم یا از نوع سینوفارم چینی است که خود چینی‌ها گفته‌اند واکسن‌هایشان تاثیر چندانی ندارد یا اسپوتنیگ روسی که خود روس‌ها به آن اعتماد ندارند و از کشوری با آن همه جمعیت تنها شش میلیون نفر واکسن زده‌اند و پوتین هم در پاسخ به اینکه آیا از این واکسن استفاده کرده؟ به جای تایید و تبلیغ واکسن روسی، خیلی معنادار می‌گوید فقط من و پزشکم می‌دانیم چه واکسنی زده‌ایم. اظهارات نمکی درباره واکسن‌های داخلی نیز چنگی به دل نمی‌زند؛ تاامروز خبری از اینکه بناست این واکسن‌ها به تایید سازمان‌های جهانی بهداشت برسد، نیست. مردم مجبورند در این بی‌تدبیری و بی‌واکسنی به واکسن غیرتاییدشده ایرانی در آینده دل ببندند؛ واکسنی که امثال کیانوش جهانپور، مدیرروابط عمومی وزارت بهداشت درباره این دغدغه مردمی - که واکسن ایرانی به تایید سازمان جهانی می‌رسید یانه - گستاخانه می‌گوید «اگر نمی‌خواهید نزنید اجباری نیست!»

عوارض واکسن

از سویی خود وزارت بهداشت اعلام می‌کند عوارض برای واکسن‌های ایرانی هم طبیعی است. این در حالی است که مینو محرز عضو ستاد مبارزه با کرونا نیز پیشتر از عوارض شدید واکسن‌های روسی در برخی از ایرانی‌ها بعد از تزریق آن سخن گفته بود. با این حال خبری از تغییر در تصمیم ورود واکسن‌های معتبر و تاییدشده که آزمون خود را به خوبی پس داده‌اند، نیست و سعید نمکی کماکان به مرثیه‌سرایی و مداحی ادامه می‌دهد. می‌گوید نمی‌خواهد تا از فجایع امروز کرونا حرف بزند تا داغی به داغ‌های کسی اضافه نشود یا می‌خواهد با حربه دعا جلوی این ویروس گرفته شود و از مردم تقاضا دارد در این شب‌ها دعا کنند. او از سویی به تعریف از واکسن ایرانی می‌پردازد و از سویی هم می‌گوید توقع نباید داشت تا با واکسن مشکلات در این زمینه حل شود. اعلام می‌کنند ما هرچه در زمینه واکسن لازم بوده که انجام بدهیم انجام داده‌ایم و اما در واقعیت ناتوان، دست به دامن بخش خصوصی شده و می‌خواهند آنها واکسن وارد کنند. نمکی بارها از ناهماهنگی‌های باقی وزرا و نهادها با او و وزارت بهداشت ناله و فغان سر داده، از طرفی هم اما در برابر بسیاری از تصمیمات غیرکارشناسی در زمینه واکسن سکوت کرده و حتی از در دفاع از این تصمیمات فاجعه‌بار ناشی از سیاسی‌کاری برآمده است. با این حال امروز او می‌خواهد خود را از تمام اتفاقات کنونی دور نگه دارد و اعلام بکند هشدارها را داده بوده و بیگناه است. این در حالی است که اتفاقا نمکی به عنوان مسئول اجرائی حل این بحران یکی از مقصرترین‌هاست. او به خاطر سکوتش، به خاطر چاپلوسی‌های بی‌دلیل و بی‌موقعش که قطعا راه‌حل درمان کرونا نیست، به خاطر انداختن گناهان بر گردن مردم، به خاطر مقاومت نکردن برای خرید واکسن معتبر، به خاطر سرمایه‌گذاری روی خرید نامرغوب‌ترین واکسن‌ها از جمله واکسن چینی که خود چینی‌ها آن را نفی می‌کنند، مقصر است و البته بدعهدی‌های دو کشور روسیه و چین در دادن واکسن‌ها طبق برنامه زمان‌بندی. او به دلیل هم‌رنگی با جماعت در اوج بحران کنونی در کشور و عدم‌شجاعتش در این چندماه، باید پاسخگوی همه مردم باشد. اگر نمکی زورش به بالادستی‌ها نمی‌رسد حداقل کارش استعفا بود، لااقل به عنوان یک ابزار تهدید برای به کرسی نشاندن تصمیمات کارشناسی می‌توانست از استعفا استفاده کند. اما او این کار را هم نکرد. وزیر بهداشت اگر واقعا دلش برای مردم می‌سوزد برای تغییر در استراتژی‌های کلان کشور در زمینه واکسن و خرید آن استعفا دهد؛ نه آنکه دائم ذکر مصیبت کند. استعفا دهد تا دلسوزی‌اش را ثابت کند وگرنه وزیر بهداشت کارش نه التماس است، نه مرثیه‌سرایی و نه صدالبته مداحی‌های بی‌مورد و بی‌موقع.